

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی یزدی دامت برکات

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۳۴ - سه‌شنبه ۹۱/۹/۱۴

حلّ یک مشکل در اخبار من بَلَّغ

مشکلی در مورد اخبار من بَلَّغ وجود دارد که برخورد نکرده‌ام کسی متعرض آن شده باشد و باید به گونه‌ای حل شود.

به مقتضای اخبار من بَلَّغ اگر خبر غیر مطابق واقعی در مورد ثواب عملی به کسی برسد و آن شخص به رجاء ثواب مذکور، عمل را انجام دهد، خداوند متعال آن ثواب را به او می‌دهد.

مثلاً اگر بیان شده باشد که اگر کسی مسواک کند ده قصر در بهشت به او داده می‌شود و کسی به رجاء این ثواب، مسواک کند این ثواب به او داده می‌شود هر چند این خبر مطابق واقع نباشد.

اکنون فرض کنید خبر معتبر و مطابق واقعی به شخصی واصل شود که بیان می‌کند کسی که مسواک می‌کند یک درخت در بهشت به او داده می‌شود.

در این حالت این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان پذیرفت به کسی که خبر غیر مطابق واقعی به او رسیده و او به رجاء ثواب آن عمل را انجام داده است ده قصر در بهشت داده می‌شود ولی به کسی که طبق خبر معتبر و مطابق واقع عمل نموده است تنها یک درخت در بهشت داده شود؟

برای حلّ این مشکل ممکن است کسی چنین بیان کند: حال که خداوند چنین تفضلی دارد فرقی میان کسی که خبر ضعیف به او رسیده و ثواب بالایی دارد و کسی که خبر مطابق واقع به او رسیده است نمی‌گذارد. به تعبیر دیگر اکنون که خداوند متعال درهای رحمت خود را باز کرده است و به کسی که خبر

غیر مطابق به او رسیده است ثواب زیادی می‌دهد، به کسی که خبر مطابق واقع به او رسیده است نیز این ثواب را خواهد داد.

إن قلت: کسی که خبر معتبر به او رسیده است با کسی که خبر ضعیف به او رسیده است فرق دارد؛ کسی که دارای خبر معتبر است طبق یک دلیل معتبر اقدام به عمل می‌کند اما کسی که خبر ضعیف به او رسیده است تنها طبق احتمال عمل می‌کند لذا منقادتر محسوب می‌شود.

قلت: اولاً: چه بسا کسی که خبر معتبر به او رسیده است، اگر خبر ضعیف هم به او می‌رسید به آن عمل می‌کرد و از جهت انقیاد تفاوتی با فرد دیگر ندارد.

ثانياً: کسی که خبر غیر مطابق واقع به او رسیده است لازم نیست که ضرورتاً بداند یا احتمال دهد که غیر معتبر است بلکه چه بسا فکر کند ناقل به او خبر صحیحی داده است و اصلاً احتمال خطا نمی‌دهد، در این صورت نیز اطلاق ادله‌ی تسامح در سنن شامل آن می‌شود.

بنابراین کسی که ثواب بیشتری می‌برد لازم نیست احتمال عدم مطابقت خبر با واقع بدهد و از این جهت با کسی که به خبر مطابق واقع عمل می‌کند و ثواب کمتری به او وعده داده شده است فرقی ندارد.

تنبیه چهارم از تنبیہات بحث برائت

اجرای برائت در شبهات تحریمی موضوعیه

مرحوم آخوند مسئله‌ای را در کفایه تحت عنوان تنبیه سوم مطرح کرده است؛^۱ در این مسئله بیان شده گرچه اطلاق ادله‌ی برائت شامل شبهات حکمی و موضوعیه می‌شود و همه‌ی افراد شبهه را در بر می‌گیرد ولی در شبهات تحریمی موضوعیه صورتی را می‌توان فرض کرد که به دلیل نکته‌ای عقلی مشمول ادله‌ی برائت نیست و در حقیقت شک در این صورت، شک در اتیان مکلف به خواهد بود بعد از اشتغال نه شک در اصل تکلیف تا مجرای برائت گردد. این فرض آن است که اگر نهی به طبیعت به گونه‌ای تعلق گرفته باشد که تمام افراد طبیعت به نهی واحد مبغوض باشند و طبیعت به نهی واحد به هیچ وجه نباید در خارج محقق شود و اگر یک فرد از طبیعت محقق شود نهی عصیان شده است و در صورتی که هیچ فردی از طبیعت محقق نشود نهی امتثال شده است، در چنین صورتی اگر کسی شک کند (به نحو شبهه‌ی موضوعیه

۱. کفایه الاصول، ص ۳۵۴.

نه حکمیه) آیا فرد خاصی منهی است یا خیر و فرد طبیعتی است که مورد نهی قرار گرفته است یا خیر، مجرای براءت نخواهد بود؛ زیرا با وجود چنین نهیی، صفحه‌ی موجود باید خالی از منهی^۱ عنه باشد و در صورتی که مکلف، فرد مشکوک به شبهه‌ی موضوعیه را اتیان کند شک خواهد کرد که آیا نهی مولی^۱ امتثال شده است یا نه و از باب اینکه اشتغال یقینی عقلاً مقتضی براءت یقینی است و در ما نحن فیه مکلف یقین دارد که نباید هیچ فردی از منهی، محقق گردد لامحاله از باب مقدمه برای تحقّق امتثال این نهی، باید فرد مشکوک به شبهه‌ی موضوعیه را نیز ترک کند.

آری، در صورتی که نهی به طبیعت ساریه تعلق گرفته باشد به گونه‌ای که به تعداد افراد طبیعت منحل شود که هر فردی از افراد طبیعت نهی مخصوص به خود را داشته باشد و امتثال و عصیان مخصوص به خود را داشته باشد، در چنین موردی اگر نسبت به فردی به نحو شبهه‌ی موضوعیه شک شود مانعی از اجرای براءت نیست.

مثلاً مولایی فرموده است: «لا تشرب الخمر»، این نهی هم نسبت به افراد مکلف و هم تعداد خمرهای در خارج انحلال پیدا می‌کند. حال اگر فرد مشکوکی پیدا شود و مایعی یافت شود که ندانیم خلّ است خمر، از باب «کلّ شیءٍ لک حلال حتی تعرف أنّه حرام بعینه» مانعی از ارتکاب آن نخواهد بود. مرحوم آخوند^۲ نسبت به صورت اول که احتیاط را لازم دانستند و آن را مجرای براءت ندانستند، استثنائی را قائل شده‌اند و فرموده‌اند اگر مکلف مسبوق به ترک باشد می‌تواند به برکت استصحاب، فرد مشکوک را اتیان کند؛ زیرا با اتیان فرد مشکوک، شک دارد که هنوز تارک طبیعت منهی است یا خیر، استصحاب، حالت سابقه‌ی ترک را تثبیت می‌کند.

و بالجمله همان‌گونه که در واجبات اگر کسی شک کند آیا استدامتاً آن واجب را دارد یا خیر، می‌تواند با استصحاب آن را احراز کند در محرمات نیز این چنین است؛ مثلاً بر زن واجب است که خود را از نامحرم بپوشاند و قبلاً روسری او به اندازه‌ی واجب، ساتر بوده است اکنون شک دارد که هنوز ساتر دارد یا خیر، می‌تواند استصحاب بقای ستر کند، یا بر کسی که واجب است عورت خود را بپوشاند اگر شک کند در ادامه، پوشاندن عورت واجب است یا خیر می‌تواند استصحاب ستر کند.

انواع صور تعلق نهی به یک طبیعت

فرمایشات محقق خراسانی در کفایه^۳ محط نظر بزرگان اصول قرار گرفته است و سخنان زیادی در این باره گفته شده است و لکن به نظر می‌رسد اگر بخواهیم به اندازه‌ی لازم سخنان را مطرح کنیم و در عین

حال بحث به درازا نیانجامد بهتر است صور مهم تعلق نهی به یک طبیعت را بررسی کنیم و بینیم آیا در هیچ کدام از این صور نظر آخوند رحمته کاربرد دارد یا خیر. در دوره‌ی سابق بحث اصول پنج صورت را ذکر کردیم، اکنون نیز همان حالات متصوره در تعلق نهی به طبیعت را ذکر می‌کنیم و بررسی خواهیم کرد که آیا شک در فردی (به شبهه‌ی موضوعیه) مجرای براءت است یا خیر؟

صورت اول

نهی به طبیعت ساریه به نحوی تعلق گرفته باشد که به تعداد افراد طبیعت، نهی انحلال پیدا کند، مانند مثال «لا تشرب الخمر» یا فرمایش خداوند در قرآن کریم: ﴿إِنَّمَا الْحُمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ﴾^۱ که با درک و مفهومی که عرف از این عبارت استفاده می‌کند به تعداد افراد طبیعت خمر، نهی وجود دارد. کانّ مولا فرموده است «لا تشرب هذا الخمر و ذاك الخمر و ذلك الخمر و ...» در نتیجه به تعداد افراد خمر، امتثال و عصیان نهی متصور است و اگر کسی همه را ترک کند به مقدار شرب طبیعت متروکه امتثال کرده است و اگر کسی شرب خمرهای متعدد کند به تعداد شرب خمرها عصیان کرده است.

حال اگر در مایعی شک شود که آیا سرکه است یا خمر، همان‌گونه که آخوند و شاید همگان فرموده‌اند قدر متیقن جریان براءت خواهد بود و ادله‌ی مختلف براءت لاسیما حدیث حلیت (کلّ شیء فیہ حلال و حرام فهو لک حلال حتی تعرف الحرام منه بعینه) بر آن منطبق است، حتی اخباریون نیز چون مربوط به شبهه‌ی موضوعیه است آن را می‌پذیرند. آری در افراد بسیار مهمه که احتمال هم منجز است براءت جاری نیست اما در محرمات عادیه براءت جاری خواهد بود.

صورت دوم

نهی واحد به گونه‌ای به طبیعت تعلق گرفته است که هیچ فردی از طبیعت نباید محقق شود و در عین حال انحلالی نیز وجود ندارد؛ یعنی نهی به طبیعت به نحو وحدت در کثرت تعلق گرفته است. نتیجه‌ی این حالت آن است که مکلف نباید هیچ فردی از افراد طبیعت را بیاورد و در عین حال یک امتثال بیشتر نیز ندارد و اگر حتی طبیعت را فی‌الجمله بیاورد عصیان کرده است اما بیش از یک عصیان ندارد. به عنوان مثال اگر مولایی بخواهد استراحت کند و فرمان دهد که بین ساعت یک و دو هیچ‌کس

۱. المائدة / ۹۰.

صدایش را بلند نکند یعنی در تمام این مدت نباید کسی صدای بلند از خود صادر کند و اگر صدایی بلند شود استراحت مولا از بین می‌رود و صداهای دوم و سوم مشکلی ایجاد نمی‌کند. در این حالت منهی، اجهار به صوت است به نحو وحدت در کثرت؛ یعنی یک نهی بیشتر نیست ولی کثرت دارد یعنی تمام افراد طبیعت را در بر می‌گیرد. اگر عبد در این یک ساعت صدایی بلند نکند امتثال کرده است و اگر صدایش بلند شود یک عصیان مرتکب شده است.

بعید نیست نظر آخوند به چنین نهی این باشد که اگر در این حالت مکلف شک کند آیا فلان صدا، صدای اجهاری است تا موجب عصیان باشد یا صدای اجهاری نیست (شبهه‌ی موضوعیه باشد) از آنجا که ذمه‌ی مکلف مشغول شده است که صفحه‌ی وجود را از صدای بلند خالی نگه دارد با ارتکاب یا ایجاد صدای مشکوک، شک در تحقق مطلوب مولا دارد و لامحاله باید احتیاط کند؛ زیرا در حقیقت شک در امتثال مکلف به و محصل دارد نه شک در محدوده‌ی تکلیف.

اما به نظر می‌رسد که این فرد مشکوک نیز مانند صورت قبل می‌تواند مجرای برائت باشد؛ زیرا فرض آن است که در شبهات موضوعیه فحص لازم نیست و مولا نیز فرموده است: «کل شیء لک حلال حتی تعرف الحرام منه بعینه» و وقتی در فردی از صدا شک کند، اطلاق روایت بیان می‌کند مادامی که بعینه نمی‌داند حرام است می‌تواند مرتکب شود و مکلف دارای عذر خواهد بود و نمی‌دانیم حرمت حتی به این فرد مشکوک گسترش یافته تا حرام باشد یا گسترش نیافته تا حرام نباشد پس شک در محصل هم نیست.

بنابراین اگر مراد آخوند صورت دوم باشد سخن ایشان در لزوم احتیاط پذیرفته نمی‌شود.

مقرر: سید حامد طاهری